

Vatandar

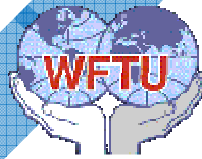
وطندار

نشریه سیاسی فرهنگی اجتماعی و فلسفی افغانستان

سخنرانی دبیر اول فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

گیورگ ماریکوس در سمینار جهانی

بررسی بحرانهای اقتصادی و نقش جهانی جنبش اتحادیه های کارگری



دوستان گرامی ،

خرسندیم که شما را به خاطر اهمیت این کنفرانس در جمع خود داریم. نقش شما در این کنفرانس از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدین باوریم که در این برهه زمانی با در اختیار گرفتن اندوخته ها و دیدگاه های یکدیگر و بکار بستن آنها بطوری که بتوان از آنها برای دستیابی به همکاری های بهتر مبارزاتی در راه حقوق کارگران استفاده کرد، بسیار پر اهمیت می باشد. بخاطر همین هم بود که تصمیم به برپائی چنین کنفرانسی گرفتیم. زیرا معتقدیم که تجزیه و تحلیل بحران کنونی بسیار پیچیده و بغرنج می باشد. اما در عین حال شناخت و توضیح ما از بحران اقتصادی حاضر در سطح جهانی بنیاد و اساس و کارمایه ما برای شکل دادن به آگاهی های طبقه کارگر و نحوه به کار گیری تاکتیک های ما در آینده خواهد بود. در اینجا با استفاده از فرصت به رفیق M. Wamadzingo. Mohammad

از سازمان جهانی کارگران ACTRV-ILO خوش آمدید گفته چشم براه اندیشه ها و پیشنهادات شان میباشیم .

همانطور که همه مامیدانیم اقتصاد سرمایه داری جهانی در مرحله وسیع و همگون از بحرانهای اقتصادی مزمن بسر می برد. شروع این بحران ابتدا از سال 2007 ترسایی در ایالات متحده آمریکا و در بخش صنعت ساختمانی شروع شد. بحران سقوط غول مالی آمریکا با آن موقعیت در مرکز تجارت جهانی باعث آن شد که بطور تدریجی و گام به گام در راه تعمیم یافتن سقوط حجم وسیعی در عمده ترین بخش خرید سهام جهانی بیانجامد که در حقیقت این همان نوک توده یخ شناور بود.

تجزیه و تحلیلهای فراوانی در رابطه با بروز و ظهور این بحران ها وجود دارد.

(ما بر این باوریم که قابل اطمینان ترین و در عین حال موفق ترین و معتبر ترین یکی از این تجزیه تحلیل ها که باعث چنین بحرانی در سطح جهانی شده است تولید بیش از حد یا در غیر این صورت انباشت بیش از اندازه سرمایه است. بحرانها زائیده موئلفه های سیستم سرمایه داری است و همچنین یک مکانیزمی از تجدید بنا و احیاء که باعث بازگشت این بحران ها به شکل قویتر و کوبنده تری می شود که با پشتیبانی دولت انجام میگردد.) با توجه به این بحرانها ، سرمایه داری موفق به تصحیح قسمت اعظم این ناهماهنگی ها بر می آید که حل لحظه ای اما جانبدارانه و مغرضانه آن در کوتاه مدت میگردد. اما سپس دوره (سیکل CYCLE) جدیدی از ناهماهنگی های اقتصادی با شکلی جدید و وسیعتر از بحران قبلی دامنگیر (باز تولید سیستم سرمایه داری خواهد شد).

پیش از این در سال 1847 میلادی کارل مارکس یک توضیح کاملاً علمی و جامع از بحرانهای درونی سرمایه داری بدست داد. توضیحاتی که او در رابطه با اقتصاد سرمایه داری بیان داشت اجتناب نا پذیر و بدیهی است. زیرا او اعتقاد داشت که بحرانهای اقتصادی در جوامع سرمایه داری دوره ای (CYCLICAL) و تکرارشدنی (REPETITIVE) است.

حال در قرن بیست و یکم زندگی بشری بوضوح صحت و استدلال های او را تأیید می کند. برای مثال: بعد از گذشت یک دوره ده

ساله (DECADE) یک بحران اقتصادی دیگر پرورش داده شد که اقتصاد کشورهای آسیای جنوبی - ژاپن و بعضی از کشورهای

آمریکای لاتین را در بر گرفت و سپس خود را در ایالات متحده آمریکا آشکار ساخت.

تولید خالص محصولات جهانی به مقدار 1 در صد کاهش یافت. گردش و روند سرمایه جهانی در رابطه با سرمایه گذاری مستقیم و تجارت

جهانی تجربه کم شدن سطح معاملات را از سر می گذراند. تیوری‌ها در نتیجه بحرانهای موجود اقتصادی در آن زمان فقط در جستجوی شکل ظاهری شکست، در مانده گی و ناتوانی خود را در نوع گردش سرمایه مالی می دانستند. توجه آن‌ها بطور معمول بر روی چگونگی عمل کرد بازارهای سهام و مدت و شرایط وام‌های اهدا شده به دولتها بوسیله IMF (صندوق پول جهانی) و بانک جهانی متمرکز بود. باور مابدین باوریم که:

همانطور که رخداد های سالهای قبل و بطور مشخص و شکل بارز آن بحران سال 1973 دلیل ایجاد بحرانهای اقتصادی اضافه انباشت سرمایه صرف نظر از شکل آغازین و بروز آن بود. سپس راه برون رفت از بحران اقتصادی دوران جدید گذار به یک مرحله جدید رو به تزاید از توسعه دادن دوباره تولید (تکثیر) سرمایه داری و سوق دادن به سوی توسعه یک بحران جدید از اضافه انباشت سرمایه به شکل عمیق‌تر و همگونی بیشتر از قبل خود را نشان می دهد. همچنین در تمام این کشورها شرایط کار، حقوق و وضع زندگی طبقه کارگر نه اینکه رو به بهبودی نمی گذارد بلکه اسفناک تر می گردد. هم زمان تحت شرایط گسترش دوباره تولید (هم آوری) سرمایه داری گرایش به سوی کم کردن در آمد (عایدی) کارگران بروز می کند در صورتی که هم زمان شدت و درجه استثمار آن‌ها بر کارگران غالب می گردد. گرایش های از این دست سرمایه داری باعث روحیه هماهنگ و تعرضی از طرف کارگران می گردد. چنانکه در اتحادیه اروپا با حیلای که در مورد کارگران شهر لیزبن بکار گرفته شد و با صرف نظر کردن از پرداخت حقوق ایام بازنشسته گی آن‌ها توسط کارفرمایان سعی در پایین آوردن هزینه های کارگری در بازار کار اتحادیه اروپا را داشتند. در ده اخیری که در آن بسر می بریم اتهامها و محدودیت های جدیدی شکل می گیرد. بهم پیوستن جهانی سرمایه رو به فزونی گذاشته است. رقابت جهانی سرمایه داری شدت بیشتری بخود گرفته است، مخصوصاً بین ایالات متحده آمریکا و روسیه برای به کنترل در آوردن مراکز تجارت و تسلط بر روی منابع مولد ثروت. شرکتهای فراملیتی و انحصارات بین المللی توان بیشتری بخود گرفته و وابستگان منطقه ای آن‌ها آرایش جدیدی بخود گرفته اند. این ارزیابی ها همانطور که در بحرانهای دوران قبلی سرمایه داری جهانی انعکاس یافت به شکل غیر قابل برگشتی با گرایشات دوران کنونی نمود پیدا کرده است. در همین چهار چوب بحرانهای تازه سرمایه داری بحرانهای جدید اقتصادی در سطح جهانی گسترش

یافت. ابتدا در ایالات متحده آمریکا و سپس به شکل وسیعی در حوزه اروپا و سپس به شکل گسترده‌ای در انگلستان، جاپان، روسیه، ترکیه و برخی از کشورهای آمریکای لاتین خود را نشان داد. این بحرانهای اقتصادی در عین حال دوران طولانی‌تر و سخت‌تری را به همراه خواهد داشت. طوری که شاهد آن هستیم بالاتر بحران اقتصادی موجود تا کنون 25 میلیون نفر از مردم سراسر جهان کار خود را از دست داده‌اند. در صورتی که بر اساس تخمین‌های موجود تا آخر سال 2009 میلادی 40 میلیون انسان دیگر از کار برکنار خواهند شد. برآوردهای بانک جهانی نشان می‌دهد که تا پایان سال 2009 میلادی تولید ناخالص جهانی کاهشی در حدود 7/1 درصد را خواهد داشت و بر طبق برآوردهای سازمان OECD این کاهش در حد 75/2 درصد می‌باشد، و در پایان سال 2009 میلادی کاهش بازرگانی جهانی رقمی در حدود 2/13 درصد خواهد بود. بر اساس پیشبینی‌های IMF (صندوق پول جهانی) از ابتدا بحران اقتصادی تاکنون کاهش سرمایه مالی چیزی در حدود 1/4 تریلیون دلار بوده است. این وضعیت موجود باعث تشدید و بدتر شدن اوضاع و نابرابری‌ها و تضادها اجتماعی در رابطه با رشد بیکاری، شغل‌های پاره وقت و روابط غیر قابل انعطاف کارگران در محیط کار خواهد شد. بر اساس ارزیابی‌های بورژوازی، تنگدستی رو به ازدیاد گذاشته به همان نحو که بینوا سازی مطلق گریبان بخش عظیمی از طبقه کارگر جهانی را فرا گرفته است. هم زمان، ما تأکید بر این نکته داریم که تغییر در موازنه نیرو و بین قدرتهای امپریالیستی و تند شدن و تناقض گویی‌های درونی دولتهای امپریالیستی، خطر بروز جنگ‌هایی را در برابر منافع مردم و تجاوز به حقوق آنها را بیش از هر دوران دیگری قوت بخشیده است. این خود تأییدی است بر گفته ماچنانچه تغییر و تحولات درون کشور گرجستان، عراق، فلسطین‌به ویژه در پاکستان و افغانستان را شاهد هستیم. مانورهای نظامی ایالات متحده آمریکا گرجستان و هم چنین در رابطه با افغانستان و پاکستان که شامل تغییر خطوط مرزی کشورهای واقع در آن منطقه عوامل دال بر محکم کردن مواضع خود در ایشیا (EURASIA) است. با توجه به هژمونی و عظمت طلبی‌های آمریکا در پاکستان، افغانستان، ایران، نیجریه، یمن... این ارزیابی را بدست می‌دهد، که خطر پدید آمدن جرقه‌های یک برخورد نظامی و ازدیاد بی‌ثباتی در این مناطق را تا قبل از سال 2020 میلادی به همراه داشته باشد.

گرایش‌ها رو به رشد 45 درصدی هزینه‌های نظامی در سطح جهانی در بین سالهای 2007-2009 میلادی یکی دیگر از مقاصد مهم و تیره شدن و تناقض گویی‌های درون کشورهای امپریالیستی است. گزارشاتی که در دست می‌باشد حاکی از آن است که دولت جدید ایالات

متحدہ آمریکا به رهبری آقای اوباما قصد فروش جنگ افزارهای نظامی مدرن را حتی بیشتر از دوران ریاست جمهوری بوش را دارد، که در دوران ریاست جمهوری وی رشد بیش از 50 درصد نمود. پیش بینی های داده شده حاکی از آن است که گسترش روابط دیپلماتیک دولت آقای اوباما با هم پیمانان جدید آمریکا نشان دهنده امکانات بلاوقفه برای فروش پیچیده ترین سیستم های تعرض نظامی بدون در نظر گرفتن بحران هائی که ایجاد خواهد کرد، که بدور از انتظار از یک دولت استثماری چون دولت ایالات متحده آمریکا نخواهد بود. شواهد تأیید شده حاکی از آن است که طبقه سرمایه داران از طریق به اجرا در آوردن دخالت های ایدئولوژیک و مالی خود را در روی طبقه کارگر جهانی قرار داده است. نیروهای سرمایه داری به بهانه پایان دادن به این بحرانها از طریق بالا بردن سطح تجاوزات خود، یورش بر کارگران و توده های مردم را سازمان می دهند. آنها (سرمایه داری) تحت لوای نمایندگی کردن "همه با هم بر علیه بحرانهای موجود" در حال سازمان دادن به یک شبکه وسیعی هستند برای به دام انداختن قسمت عظیمی از طبقه کارگر برای دست یافتن به نیازها و سرسپردگی به هدفهای عینی خود. آنها کارگران را از طریق قول تخصیص اعانه، از دست یابی به حقوق حقه خود به سکوت وامی دارند. آنها حتا با تشکیل نشست هایی از کارگران خواستار همکاری و تشریک مساعی در راه برون رفت از این بحران می شوند. در صورتی که در شرایط موجود بخش عظیمی از سرمایه موجود شان از سود دهی سرشاری برخوردار می باشد. سرمایه داری بوسیله برخی از عناصر سلطه گرا، فرصت طلب و مصالحه گر در درون اتحادیه های کارگری پشتیبانی می شوند.

سرمایه داری با تشدید سرکوب از طریق برنامه های ناتو به بحران آفرینی های مدنی دست می زند. با درک از ماهیت سرمایه داری به این نتیجه میرسیم که برغم اختلافات جزئی در سیاستهای خود، آنها در اصول کلی با هم توافق کامل نظر دارند.

آنها با اتخاذ سیاست های استعماری، اهمال فشار بر طبقه کارگر را افزایش بخشیده اند. از سوی دیگر با توجه به شناخت از نیروهای استعمارگر علاج مسائل امروزی بدست آنها، خود زهری است برای بحرانها و مسایلی که در آینده بدست آنها شکل می گیرد.

علیرغم بحران موجود، داده ها نشان می دهد که از جولای 2009 بانکها به روال عادی خود برگشته و شروع به سود دهی کرده اند، اما تأثیر بحران آفرینیهای سرمایه داری جهانی همچنان اثرات خود را بر زنده گی طبقه کارگر و زحمتکشان جهان به جا میگذارد. بر اساس آماري که از 27 کشور اروپائی در دست است، از جون 2009 در رقم بیکاری به بیش از 9 درصد افزایش یافته است.

دانمارک با 9/5 در صد بیکاران نسبت به کشورهای دیگر از وضع بهتری برخوردار است. هسپانیه با 18.5 در صد بیکاران،

بیشترین رقم افراد بیکاران در اروپا را دارد. به علت کوچک شدن بازار اقتصادی در این کشور مشخصاً یکی از کشورهایی

است که آسیب پذیری آن در برابر بحرانهای ایجاد شده بوسیله سیستم سرمایه داری جهانی مشهود است.

اطلاعات حاکی از آن است که با وجود بحرانهای آشکار، کشورهای اروپایی می توانند این اطمینان را بخود بدهند که در جهت یک

زندگی قابل تحمل برای کارگران و به نفع آنها گام بردارند. در انگلستان در جولای 2009 ترسایی گروه بانکداران لویدز (گروهی از

بانکداران یکجا شده از بانک بریتانیا و هالی فاکس بانک اسکاتلند و بانک لویدز بریتانیا) که 43 در صد سرمایه آنها متعلق به دولت

می باشد اعلام کرد که 1200 نفر از کارکنان خود را از کار برکنار می کند. تعداد افرادی که تا کنون در این مجموعه بانکی

کار خود را از دست داده اند از آغاز سال 2009 ترسایی به 8200 نفر می رسد. در جولای 2009 شرکت زیمنس آلمان اظهار داشت

که به تعداد 1400 نفر را جهت رسیدن به مقدار سودی که بر طبق برآوردهای سیستم بانکی در انتظار آن می باشد، از کار برکنار می

کند. تعداد بیشتری از انسان های واجد شرایط کار در آلمان، انگلستان، سوئیس و سوئدن در انتظار از دست دادن کار شان میباشند. در این

کشورها تقریباً 17000 شغل کاری از بین رفته و ساعات کاری برای 19000 شاغل دیگر به حد اقل ساعات کاری تنزل یافته

است. در کشور فرانسه 375000 نفر شاغل کار، کارشانرا از دست داده اند. بر بنیاد آمار اداره کار در فرانسه رقم افراد بیکار شده

تقریباً دو برابر تعداد افراد بیکار شده در سال 2008 میلادی می باشند. در ماه سپتامبر شرکت هواپیمایی ایر فرانس اعلام داشت در صد

از بین بردن 1500 شغل در این شرکت هواپیمایی از طریق برنامه باز نشسته گی داوطلبانه می باشد. در ایتالیا بر اساس آماري که از

طرف انستیتوت تحلیل و پژوهشهای اقتصادی داده شده است بیکاری تا سال 2010 میلادی به 3/9 درصد خواهد رسید . در

همین رابطه شورای اقتصاد و کار ایتالیا CNEL پیش بینی کرده است که ایتالوی های هائی که تا پایان سال 2009 میلادی کارشانرا

از دست میدهند به 500,000 نفر خواهند رسید. در روسیه بر اساس پژوهش های روس تات Rosstat 24.5 میلیون شهروند

این کشور در زیر خط فقر به سر می برند و این رقم به 30 درصد در سه ماه اول سال 2009 میلادی افزایش مییابد. این رقم 4/17 در

صد از کل جمعیت روسیه را تشکیل میدهد.

در ایالات متحده آمریکا طبق آمار رسمی تعداد افراد بیکار در ماه جولای 2009 میلادی به 4/9 درصد رسیده است.

بر طبق اظهارات نهاد های دولتی آمریکا رقم دقیق افراد بیکار به 16 درصد رسیده است. از شروع بحران اقتصادی در دسامبر سال

2007 میلادی تا جولای 2009 میلادی تعداد کسانی که کار خود را از دست داده اند بالغ بر 5/6 میلیون نفر میشود.

در جاپان در ربع سوم سال 2009 ترسایی در صد افرادی که کار خود را از دست داده اند به 7/5 درصد میرسد. این یک رکورد بیکاری

ثبت شده برای این کشور می باشد. 5/3 میلیون نفر در جاپان کار خود را از دست داده اند. در مقایسه با یکسال قبل تعدادی بیش از یک

میلیون نفر به آن افزوده شده است. کارخانه ها در جاپان به روند بیکار کردن کارگران را ادامه می دهند. بر اساس اظهارات وزارت

دارائی جاپان این بحران بیکاری در ده سال اخیر بی سابقه بوده و کشور هم اکنون به دوران شروع رشد اقتصادی گام برداشته است. همین

کافی است که بگوئیم در بازار کار جاپان از هر 100 نفری که در جستجوی کار می باشند فقط برای 42 نفر از آنها کار وجود

دارد. در این زمینه و در رابطه با نجات سرمایه داری، لیبرالها و سوسیال دمکرات ها قول یک « سرمایه داری سالم و با مروت » و به

عهده گرفتن نقش رهبری و کوشش در این بازی را دارند تا گناه بحرانهای اقتصادی موجود را فقط به گردن نئولیبرالیست ها بیاندازد و

سعی بر آن دارد که کارگران را متقاعد سازد که نسخه جدیدی برای برون رفت از بحرانهای اقتصادی موجود را در دست دارند. و این

نسخه جدید را که در ترویج آن می کوشند « اقتصاد سبز » نام نهاده اند که در حقیقت منبع جدیدی برای در آمد و سود بیشتر می باشد.

آنها هیچ حرفی در مورد غیر عادلانه بودن سرشت استثمارگر سیستم سرمایه داری به زبان نمی آورند.

کارگران جهان خواستار بهبود کیفی وضع زندگی شان می باشند. آنها در عین حال خواستار بهبود شرایط و هم چنین جو محیط کاری و

فضای پیرامونی خود هستند. محیط و فضای سالم بهداشتی یکی از مهم ترین و مبرم ترین خواستها در جنبش جهانی اتحادیه های کارگری

در خاور زمین می باشد. تغییر در بهبود محیط زیست اثرات مثبتی بر زندگی همگان دارد.

مانگران وضع موجود و خواهان آن هستیم تا شرکتهای چند ملیتی جهت حفظ محیط زیست قبول مسوولیت نمایند. در حقیقت این شرکتهای

چند ملیتی هستند که عامل تخریب محیط زیست اند. آنها با روش ریاکارانه و سالوسانه خود چنین وانمود میکنند که در جهت حفظ محیط

زیست میکوشند. در حقیقت آنها به فکر چپاول بیشتر هستند.

به گونه مثال در این مورد می توان از تونی بلیر نخست وزیر سابق انگلستان یاد کرد.

وی مؤسس سازمانی به نام حامیان محیط زیست است. وظیفه این سازمان بود تا نقش کشورهای خاور میانه و عربی را در زمینه آلوده

کردن آب و هوا پررنگ تر جلوه دهد، در حالیکه ایجاد کننده این سازمان شرکت های BP (بریتیش پترولیم) شرکت نفتی TEXACO

و چند شرکت بزرگ تولید کننده مواد داروئی و شیمیائی تشکیل میباشند.

مثال دیگر در این بخش کمپانی دیگری به نام CLG است که موسس آن ملکه چالز ویلز به همراهی چند سهام دار بزرگ از بانک

HSBC (بانک سلطنتی اسکاتلند)، ING، کوکاکولا، NIKE، دوپشته تله کام، وادافون، شرکت فرانسوی تله کام ... هستند. پنج

روز پیش یکی از کارکنان شرکت فرانسوی تله کام که پنجاه و یک سال بیش نداشت دست به خودکشی زد. این شخص نامه ای برای

خانواده خود بر جای گذاشت و علت خودکشی خود را کارفرمای شرکت معرفی نمود. این بیست و چهارمین خودکشی طی ده ماه اخیر در

شرکت تله کام فرانسوی میباشد. وقتی سرمایه داری در مورد مبارزه با آلوده گی آب و هوا صحبت می کند، این بر خورد ریاکارانه

آنهاست که تحت این شعار در پی در آوردن سود بیشتر و استثمار کارگران و زحمتکشان میباشند. کارگران سراسر جهان باید به این

ترفند های امپریالیستی پی برده و همزمان در راه گسترش مبارزات خود در راه بهتر شدن آب و هوائی کار و محیط زندگی خود،

خواسته های سیاسی و عدالت اجتماعی کوشا باشند.

رقتای گرامی !

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری بدین باور است که تا زمانی انباشت سرمایه در دست یک عده محدودی قرار دارد فقر و تنگدستی

گسترده شامل حال اکثریت زحمتکشان است و بحرانهای موجود اقتصادی عمیق تر، گسترده تر و سخت تر خواهد بود. همانطور که در

آغازین بحران ما خواست های اصولی خود را بیان داشته ایم، عامل اصلی بوجود آوردن تمام بحرانهای سیاسی و اقتصادی سیستم های

سرمایه داری بوده و خود باید بهای آن را بپردازند. این طبقه کارگر جهانی است که هر روز با تحمل وضع موجود در اصل قربانی منافع

سرمایه داری و سود حاصله از دست رنج خود برای این سیستم جنایتکار می باشد.

طبقه کارگر جهانی نه تنها با بحرانهای سیستم اقتصادی و سیاستهای نئولیبرالها مواجه هست، بلکه همزمان رو در رو با سیاست های

ناجوانمردانه امپریالیستی و استثمار آنها قرار گرفته است. در شرایط کنونی امکانات طبقه کارگر برای مقابله با سیاستهای

امپریالیستی بالا گرفته است. عنصر کلیدی شناخت از موقعیت کنونی جنبش و راهکارهایی است که در این رابطه باید بکار بست.

(هدف شناخت علمی از وضعیست که جنبش جهانی کارگری در آن قرار دارد و با توجه به اصل مارکسیسم لنینیسم، تحلیل مشخص از

اوضاع مشخص در شرایط کنونی چه راه کارهای دقیقی را باید دنبال کرد. مترجم اوضاع دفاعی رژیم های سرمایه داری در رابطه با

طبقه کارگر، موضعی مملو از توطئه های مودیان، تبه کارانه و پیراز دسیسه و خیانت است. توطئه های که امروز در برابر حقوق حقه

طبقه کارگر جهانی رخ می دهد در گذشته نیز تکرار شده است. شکل رسمی این تجاوزات آشکار سیستم های سرمایه داری در آغاز قرن

نزده ام شکل گرفت و این شکل تجاوزات به حقوق حقه طبقه کارگر تا زمانی که سیستم های سرمایه داری موجود باشد ادامه خواهد داشت.

اگر مادر مقابل این تجاوزات آشکار ایستاده گی از خود نشان ندهیم، آنها فشارهای سنگین تری را بر ما وارد خواهند آورد.

دوستانِ قدرمند!

وظیفه ماست تا بخاطر تشویق و راهنمایی کارگران، اتحاد و مقاومت آنها در جنبش زحمتکشانشان در کنار آنها باشیم. مبارزه در راه به

پیروزی رساندن

منافع طبقه کارگر معاصر و نیازمندی های آنان به مساله زیرین بستگی مستقیم دارد:

مبارزه و عمل قاطع علیه نیروهای هوادار سرمایه و سیاستهای جمعش آنها.

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری برنامه تنظیم شده ای در ارتباط با مسائل کارگری و بحرانهای اقتصادی موجود را در دست دارد تا کارگران و زحمتکشان قربانی بحرانهای آفریده شده نظام سرمایه داری نشوند. ما باور داریم که پیشنهادات ما بر پایه عینی استوار بوده و قابل میباشند.

طبقه کارگر جهانی همچنان خواستار :

- 1- توقف هر چه سریعتر برنامه های تسلیحاتی، کاهش مخارج نظامی، پایان دادن به اشغالگری و جنگ افروزیهای قدرت های امپریالیستی در کشورهای دیگر است.
 - 2- ایجاد سرمایه گذاریهای عمومی و بوجود آوردن شغل های مناسب بر پایه نیازمندی های انسانی.
 - 3- به رسمیت شناختن حقوق کارگران، افزایش سطح دستمزد، و استفاده از مزایای کامل باز نشستگی به نحوی که آنها از قدرت کافی برای تهیه مایحتاج مورد نیاز خود را داشته باشند.
 - 4- بالا بردن سطح مخارج اجتماعی کارگران و همچنین برخورداری از مزایای امنیت اجتماعی، بیمه های درمانی، آموزش، کم کردن ساعات کار بدون کاهش مزایای متعلق به آنها.
 - 5- پرداخت مزایای لازم ایام بیکاری بدون استثنا.
 - 6- توقف عاجل خصوصی سازی در بخش های استراتژیکی اقتصادی.
 - 7- احترام کامل و رعایت حقوق کارگران و زحمتکشان مهاجر (زنان و مردان).
 - 8- عفو قروض کشورهای جهان سوم.
- ما بدین باور هستیم که مبارزات طبقه کارگر جهانی در آینده باید فشرده تر از گذشته باشد. در اوضاع کنونی فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری در موضع دفاعی قرار ندارد. ما با داشتن سلاح ایدئولوژی عدالت گستری طبقه کارگر باید گام به گام در راه کسب حقوق از دست رفته مان و پس گرفتن تمام حقوق سیاسی و اجتماعی غارت

شده خود باشیم. دشمنان طبقاتی ما این را بخوبی می دانند و به همین دلیل از طبقه کارگر در هراس اند. ما کنگره پانزده ام فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری را با آینده نگری شروع کردیم و باور داریم که در کنگره شانزده ام با برخورداری از گسترش هر چه بیشتر جنبش جهانی زحمتکش از موقعیت بهتری برخوردار خواهیم بود. با تشکر

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : دیپلوم انجیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجیرنجیب یوسفی

کلیه حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

